
بخش دوم

کشتار ۲۳۷۷۰۷۲ ارمنی

«قتل» و «جنایت» بخودی خود کلماتی چندش آور و هراس انگیزند ، و «قتل عام» و «جنایات گروهی» - و دستجمعی - براتب وحشتبارتر ... اما «انهدام يك ملت» مطلبی دیگر است . مطلبی که هیچکدام از کلمات ابداعی انسان متمدن ، قادر به بیان دامنه دهشت و شناعت آن نیستند . شاید بهمین جهت است که هیتلرو دستگاه آدم کشی او ، بر کار قتل عام يك ملت ، نام «حل نهائی مسائل یهود!» را می گذارند و طلعت پاشا ، بر کشتار گروهی میلیونها انسان «دور فرستادن بعضی ها» نام می نهد .

اینجا ، سخن از کشتار عمدی ، آگاهانه و بیرحمانه کودکان شیرخوار ، پیر زنان و پیر مردان بی دفاع است ... سخن از مرگ «ترحم» است و بروز کیف ترین و شنیع ترین زوایای ناشناخته وجود آدمی ... از غرایزی که انسان از احساس وجود آنها در طبیعت خویش ، عرق شرم بر پیشانی می نشاند ، و از «انسان» بودن خویش - انسانی که از لحاظ شکل ، اندام و قیافه ، شبیه اینگونه دژخیمان است - خجالت می کشد ...

سخن از «ماشین» کامل و بدون عیب و نقصی است ، که بی هیچ عقل و احساس و ترحمی ، میلیونها موجود زنده و صاحب عقل و احساس را در میان دنده های خود می فشرد ، می کشد ، می سوزاند و خاکسترشان را برباد می دهد ... و سرانجام سخن از تجاوز به جان و مال و ناموس آدمیانی است ، که طبیعت همه مواهب زندگی را بدانان ارزانی داشته ، اما کسانی دیگر - که نام انسان بر آنان نمی توان نهاد - با خشونت بارترین شکلی ، این مواهب را از آنان سلب کرده اند .

براستی ، آرزمان که مادری را بر اثر فشار گرسنگی مجبور کنی ، که گوشت دخترک تازه مرده‌اش را به‌دندان بکشد ، وقتی زن جوانی را واداری تا کودک نوزادش را بخاطر پیشگیری از شکنجه‌های بعدی «که خود متحمل آنها شده است» زنده زنده برودخانه یا در چاه بیاندازد ، وقتی دختران جوان ، گیسوان ، ابروان و مژگان خود را بتراشند ، و برچهره زیبا و معصوم خویش داغهای نفرت‌انگیز نهند ، تا از خطر تجاوز ، به ناموشان مصون بمانند ، آیا باز می‌توانی بر خود نام انسان بگذاری ؟

دریغاً . که اگر تو نیستی ، بسیار کسان چنین بوده‌اند و دریغ بیشتر که هنوز هم هستند ... از مهاجمان مغول - که توحش و بربریت بهانه آنها بود - تا پیراهن سیاهان اس . اس و اینفورم پوشان گشتاپو - که بظاهر مترقی‌ترین و پیشرفته‌ترین قدرت علمی و صنعتی زمان خویش بودند - و سرانجام ماموران امپراطوری عثمانی - که مورد بحث ماست - و تنها اختلاف مذهب را بهانه جنایات وحشیانه خویش قرار دادند ، همه و همه جانورانی هستند در کسوت انسانی ، که بیش از به خون کشیدن میلیون‌ها زن و مرد و کودک در حقیقت «انسانیت» را به خون کشیدند .



شگفت اینکه : همه این ماشینهای آدمکشی - با وجود اختلافات زمانی ، قاره‌ای ، نژادی و مسلکی - از یک نظر شبیه همدیگرند ، و آن اینکه می‌کوشند اعمال خود را در پشت پرده‌ای از ریا و تزویر - حتی عدالت و انسانیت - بپوشانند ، جنایات خود را نامی دیگر نهند و آنرا از دید جهانیان مخفی دارند . معلوم نیست که اگر این اقدامات با عقل و منطق همراه است ، چرا همه گردانندگان آنها ، می‌کوشند تا «اصول پنهانکاری» را به‌عالی‌ترین شکلی رعایت کنند . تا آنجا که - در اکثر موارد - اگر حوادث و رویدادهای خاص و احیاناً تصادفی ، باعث کشف این جنایات نمی‌شد ، شاید برای همیشه در پرده خفا می‌ماند .

در مورد قتل‌عام ارمنیان نیز - گواینکه گزارشهای پراکنده‌ای منتشر شده بود ، اما اگر کوشش چند فرد و سازمان نمی‌بود ، اگر «گزارش کمیته امریکائی» و تحقیقی پیگیر و مداوم در این زمینه به ثمر نمی‌رسید ، اگر مورخی

سخت کوش چون «آرنولد توین بی» هم خود را مصروف این مهم نمی ساخت و سرانجام اگر محقق و نویسنده ای دیگر (آرام آندونیان امریکائی) موفق نمی شد خاطرات مستند و اسناد و مدارک «نعیم بیک» یکی از دست اندرکاران جنایات را بدست آورد، شاید این ماجرا نیز، چون بسیاری ماجراهای دیگر - که در جهان ما روی داده است و هنوز از آنها بی خبریم - برای همیشه زیر خاکستر فراموشی مدفون می شد.

عثمانیان نیز، چون فاشیستهای هیتلری، نهایت کوشش را داشتند، تا راز جنایاتشان از پرده بیرون نیافتد، و بهمین جهت همه دستورات و فرامین در پرده رمز صورت می گرفت، و پس از جنایت نیز می کوشیدند، همه آثار و علائم آنرا از میان ببرند. درست همان کاری که قرار بود هیتلرها در مورد اردوگاه های مرگ و کوره های آدم سوزی معمول دارند.

«کنستانتین سیمونوف» روزنامه نگار و نویسنده معروف و معاصر روس که در جریان جنگ دوم جهانی، خبرنگار جنگی بود و در جبهه ها بسر می برد، وقتی برای اولین بار بیک بازداشتگاه نازی (ظاهراً آشویتس) رسید و کوره های آدم سوزی، اطاقهای گاز، اجساد نیمه سوخته زنان و مردان، میلیونها دسته موی سرزنان و دختران قربانی را دید، با آنکه چهار سال تمام ناظر قتلها و کشتارها، درخونین ترین صحنه های جنگ بود، بناگهان دچار آنچنان ضربه روانی شد، که تا یک هفته ارسال گزارشهای خود را به مسکو و همه نقاط جهان قطع کرد (قرار بود - بدستور برلن - این اردوگاه و همه آثار و علائم آن - قبل از رسیدن ارتش سرخ معدوم شود، اما ارتش اندکی زودتر رسیده بود). سیمونوف آنچه را که با چشم دیده بود باور نمی کرد، و بقول خود چنین می اندیشید که دچار «پسیکوز جنگ» و توهمات جنون آمیز شده است. و تازه هنگامیکه اولین عکسها و مطالب مستند اردوگاه مرگ را بمسکو ارسال داشت، این بار سردبیران و گردانندگان پرآودا و ایزوستیا بودند که تصور نمی کردند بهترین و برجسته ترین نویسنده آنها دیوانه شده است!

نازیها در بسیاری موارد موفق به از بین بردن آثار جنایات خویش شدند،

۱ - مجله باری ماچ در سال ۱۳۶۵ بمناسبت بیستمین سال پایان جنگ طی پنج شماره اختصاصی خاطرات بسیاری از ژنرالها، نویسندگان زمان جنگ و خبرنگاران جنگی را منتشر ساخت که خاطرات «کنستانتین سیمونوف» بخشی از برجسته ترین آنها بود.

چنانکه از اردوگاه معروف «تربلینکا» جز شهادت «شش نفر» از چند میلیون قربانی اثر دیگری برجای نماند.^۱

وقتی کتاب حاضر را مرور می‌کنیم، درمی‌یابیم که هیتلریها در همه اقدامات خود - چه خشونت و بیرحمی، چه نظم و دقت فوق‌العاده در کار انهدام مردم و چه کوشش فوق‌العاده برای پنهان داشتن جنایات، محو کردن آثار آن و بی‌خبر گذاشتن جهانیان - بی‌شک از عثمانیها در قتل عام ارمنیان الهام گرفته‌اند. فقط با این تفاوت که ماشینهای کشتار مدرن‌تر، و پنهانکاری دقیق‌تر شده است. در کار قتل عام ارمنیان نیز، چون کشتار یهودیها، شدت عمل و خشونت، همراه با کوشش در پنهان داشتن جنایات، تا حد غیرقابل تصویری به چشم می‌خورد، و این خود یکی از ویژگیهای کتاب حاضر است، که این جنایات پنهانی را با اسناد و مدارک غیرقابل انکار عرضه می‌کند.

شاید اگر «کنستانتین سیمونوف» سی سال قبل از جنگ جهانی دوم، بجای اردوگاههای آشویتس، بوخنوالد و تربلینکا، صحراهای حلب، سوریه و عراق را می‌دید، براستی دیوانه می‌شد و اجساد و استخوانهای میلیونها زن و کودک ارمنی، او را برای همیشه، ازرنج روزنامه‌نگاری خلاص می‌کرد... ممکن است بسیار کسان درباره قتل عام ارمنه بدست عثمانیها مطالبی شنیده باشند، ولی مسلماً تعداد افرادی که از آمار دقیق قربانیان و نحوه رفتار با آنان آگاهند، از تعداد انگشتان دست تجاوز نمی‌کند. همگان تنها از همان مختصری آگاهند که در مأخذ عمومی، در دایرةالمعارف‌ها و فرهنگها آمده است:

رشد ناسیونالیسم ارمنی موجبات برانگیختن سوءظن و کشتار همگانی ارمنه و خشم سلطان عبدالحمید دوم را (که از ۱۲۵۵ تا ۱۲۸۸ ش - پراکندگی آنها ۱۸۷۶ تا ۱۹۰۹ م - سلطنت کرد) فراهم ساخت. در ۱۲۵۵ - ۵۶ ش (۱۸۷۶-۷۷ م) محله ارمنی‌نشین قسطنطنیه بدست افراد ارتش و پلیس ترك به آتش کشیده شد و غارت گشت. بعد يك رشته کشتارهای همگانی هولناک و وحشیانه از ۱۲۷۳ ش (۱۸۹۴ م) آغاز گشت که در مدت دو سال قریب دویست هزار ارمنی را به هلاکت رساند.

۱- پس از انتشار معروف «تربلینکا» در پاریس، مجله پاریس‌ماچ گروهی از نویسندگان خود را با اسرائیل اعزام داشت، که این شش نفر را یافتند و با يك يك آنان به گفت‌وگو نشستند. این مصاحبه‌ها در پایان‌متن فارسی کتاب «تربلینکا» ترجمه دکتر مهدی سمسار - آمده است.

این سلاخی‌های بدون رادع و مانع، هم انگیزه بروز يك رشته اقدامات تروریستی، ضرب و جرح و قتل‌های انفرادی و در نتیجه ایجاد رعب و وحشت پراکنده‌ای - که توسط دستجات تروریست‌ارمنی علیه مقامات ترك بعمل می‌آمد - شد، و هم خود در عین حال پاسخ و واکنشی بود نسبت به اقدامات مذکور. دستجات پراکنده تروریست ارمنی اکثراً توسط روشنفکران فداکار ولی بدون تجربه‌ای که تصور می‌کردند به این طریق خواهند توانست با يك تیر دو نشان بزنند، هدایت می‌شد. بدین معنی که آنها گمان می‌بردند در اثر ترور و ارباب از يك طرف قادر خواهند بود سلطان را مرعوب سازند و مجبورش کنند تا دست به اقدامات اصلاحی بزند و ناچار به اعطای امتیازاتی بآنان تن در دهد، و از طرف دیگر موفق شوند قدرت‌های اروپائی را نیز مقارن همین احوال برانگیزند تا به خاطر استقلال ارمنه به مداخله پردازند و بامیانجیگری خود ترتیبی دهند که آنها به تأسیس کشور مستقل ارمنستان نائل آیند.

انقلاب ۱۲۸۷ ش - (۱۹۰۸) «ترك‌جوان» باعث ایجاد امیدکاذبی در زمینه روح اختلاف ترك‌ها و ارمنه شد، ولی اینك علائق ملی فیما بین با یکدیگر منافعی بودند و اصطکاک منافع دو ملت هیچگونه راه آشتی و سازشی راباقی نمی‌گذاشت. لذا کشتارهای همگانی ارمنه در سال ۱۲۸۸ ش (۱۹۰۹) باخشی تازه این بار در سیلیس (که ارمنه آنرا «گیلیکیا» می‌نامند) از سر گرفته شد و فقط پس از وساطت قدرت‌های بزرگ - از جمله ایالات متحده امریکا - متوقف گردید.

آغاز جنگ جهانی اول بر سرنوشت غم‌انگیز ارمنه عثمانی - که همدردی و همفکری خود را نسبت به متفقین و آرزوی پیروزی آنان پنهان نمی‌ساختند و شوق و ذوق خود را از محاصره سپاهیان روس توسط ارتش متحدین بطرزی آشکار و بی‌ریا ابراز می‌داشتند - صحه گذاشت و آن را قطعی و مسلم ساخت بدین معنی که «ترك‌جوان» را برآن داشت تا به مسئله ارمنه که موجبات مزاحمت آنان را فراهم ساخته بود یکباره و برای همیشه فیصله دهد و قلمرو حکومت خود را کاملاً از نفوس آنان پاک سازد.

بدین ترتیب به تصفیة کلی ارمنه مبادرت شد که در نتیجه آن بیش از يك میلیون تن ارمنی در اثر تبعید به صحرای سوریه هلاک شدند، هزاران تن ارمنی

به دین مبین اسلام گرویدند ، و یک میلیون تن دیگر نیز یا از این تبعید و تصفیه جان سالم بدر بردند و یا توسط سپاهیان روس که به مرز قفقاز درحال عقب نشینی بودند از زادگاه خود بیرون رانده شدند.

متفقین هرگز به قول خود مبنی بر تجدید استقرار حکومت یک کشور مستقل ارمنی در ایالات تاریخی خود وفا نکردند. مرزهای قطعی برای تأسیس یک ارمنستان مستقل که از طریق طرابوزان به دریای سیاه دسترسی داشته باشد، توسط پرزیدنت «وودرو ویلسون» رئیس جمهوری وقت امریکا در آذر ۱۲۹۹ ش- (نوامبر ۱۹۲۰) طرح ریزی شد ، ولی این منطقه قبلاً در ماه آبان (اکتوبر) تحت سلطه ترکهای که از نوبریا خاسته و به جداساختن قارص و اردهان از ارمنستان روس نیز توفیق یافته بودند درآمده بود.

سرانجام در تاریخ ۲۹ آذر ۱۲۹۹ (بیستم دسامبر ۱۹۲۰) تأسیس جمهوری ارمنستان شوروی تحت حمایت و کنترل روسیه بلشویک توسط حزب کمونیست ارمنه اعلام شد.^۱

اما این مطالب مختصر ، بهیچوجه منعکس کننده واقعیت دهشت بار ماجرای قتل عام ارمنه - به دست عثمانها - نیست. دهه های پایان قرن نوزدهم و دهه های آغاز قرن بیستم ، آنچنان برای ارمنیان آمیخته با مصیبت و اندوه است، که قلم از شرح و زبان از بیان آن عاجز می ماند. یک نگاه باین آمار ، که از مراجع رسمی استخراج شده ، و مسلماً نمی تواند همه ارقام کشته شدگان را دربر داشته باشد ، روشنگر واقعیات بیشتری است. اینها رقم ارمنیانی است در طول چند دهه مورد بحث که به دست عثمانها قتل عام شده اند :

۱۲۳۹ ش - ۱۸۶۰ م -	سایر مسیحیان قتل عام شده در لبنان	۱۲۰۰۰ نفر
۱۲۵۵ ش - ۱۸۷۶ م -	ارمنه و بلغاری های مقتول در بلغارستان	۱۴۰۰۰ نفر
۱۲۵۶ ش - ۱۸۷۷ م -	قربانیان ارمنه در بایزید	۱۴۰۰ نفر
۱۲۵۸ ش - ۱۸۷۹ م -	ارمنه معدوم شده در آلاشگرد	۱۲۵۰ نفر
۱۲۶۰ ش - ۱۸۸۱ م -	سایر مسیحیان در اسکندریه	۲۰۰۰ نفر
۱۲۷۱ ش - ۱۸۹۲ م -	ارمنه و سربازان خارجی به تبعیت ترک درآمده	۳۵۰۰ نفر
۱۲۷۳ ش - ۱۸۹۴ م -	ارمنه مقتول در ساسون	۱۲۰۰۰ نفر

- ۱۲۷۴ ش - ۱۸۹۵ م - ارامنه مقتول در ایالات ارمنستان غربی ۳۰۰۰۰۰ نفر
 ۱۲۷۵ ش - ۱۸۹۶ م - ارامنه کشته شده در استانبول ۹۵۷۰ نفر
 ۱۲۷۵ ش - ۱۸۹۶ م - ارامنه کشتار شده در وان ۸۰۰۰ نفر
 ۱۲۸۲ ش - ۱۹۰۳ م - ارامنه یونانیان و بلغارها در مقدونیه ۱۴۶۶۷ نفر
 ۱۲۸۳ ش - ۱۹۰۴ م - ارامنه معدوم شده در ساسون ۵۶۴۰ نفر
 ۱۲۸۸ ش - ۱۹۰۹ م - قربانیان ارامنه در سیلیس (ادانا) ۳۰۰۰۰ نفر
 ۱۲۹۴ ش - ۱۹۱۵ م - ارامنه مقتول در ارمنستان غربی و ترکیه ۱۵۰۰۰۰۰ نفر
 ۱۲۹۷-۹۹ ش - ۲۰ - ۱۹۱۸ م - ارامنه کشته شده در قارص و اردهان ۵۰۰۰۰۰ نفر
 ۱۲۹۷ ش - ۱۹۱۸ م - ارامنه در باکو و اطراف آن ۳۰۰۰۰۰ نفر
 ۱۲۹۸ ش - ۱۹۱۹ م - ارامنه در کونویجلار ۱۰۰۰۰۰ نفر
 ۱۲۹۸ ش - ۱۹۱۹ م - ارامنه در سیلیس (ادانا) ۵۰۰۰۰۰ نفر
 ۱۳۰۰ ش - ۱۹۲۱ م - ارامنه در هاجون ۲۰۰۰۰۰ نفر
 ۱۳۰۱ ش - ۱۹۲۲ م - ده هزار ارمنی و ۲۰۰ هزار مسیحی دیگر در ازمیر ۲۱۰۰۰۰۰ نفر
 مجموع این ارقام، تعداد قربانیان را از سال ۱۲۳۹ تا ۱۳۰۱ شمسی -
 (۱۸۶۰ تا ۱۹۲۲) به ۲۲۸۴۰۲۷ نفر می‌رساند، که اگر ۹۳ هزار نفر قربانیان
 غیر ترک - اعم از یونانی و آسوری - را بشرح زیر:

- ۱۲۳۱ ش - ۱۸۲۲ م - یونانیان قتل عام شده در کیوس ۵۰۰۰۰۰ نفر
 ۱۲۳۲ ش - ۱۸۲۳ م - یونانیان قتل عام شده در میسولینکی ۸۰۰۰۰۰ نفر
 ۱۲۳۶ ش - ۱۸۲۶ م - سربازان خارجی به تبعیت عثمانی درآمده در استانبول
 ۲۵۰۰۰۰ نفر

۱۲۳۹ ش - ۱۸۵۰ - آسوری‌های موصل ۱۰۰۰۰۰ نفر
 به ارقام بالا اضافه کنیم، رقم هراس انگیز ۲۳۷۷۰۲۷ نفر بدست می‌آید،
 که به استناد بسیاری مآخذ و شواهد دیگر، رقم اصلی براتب بالاتر از این
 بوده است.^۲

اینک که کلیات فاجعه تا حدودی مشخص شده است، بشرح نخستین
 تحقیق و بررسی در این زمینه می‌پردازیم:

۱ - آمار و اطلاعات فوق‌الذکر از کتاب ترورها و قتل‌عام‌های جهان - نشریه نیویورک تایمز - ص ۳۹۶ اقتباس شده .
 ۲ - ترورها و قتل‌عام‌های سیاسی ص ۳۹۷

«آرنولد توین‌بی» مورخ نامدار معاصر و استاد دانشگاه آکسفورد ، برای همه مردم اهل تحقیق و مطالعه ، نامی شناخته شده است. بررسیهای ژرف و اندیشمندانه او در زمینه‌های تاریخ و سیاست ، بعنوان اسنادی غیرقابل انکار تلقی می‌شود ، تا آنجا که در زمان ما کمتر صاحب نظری را می‌توان یافت که نظراتش درباره مسائل گوناگون تا بدین حد صائب بوده و نتایج کارش تا این پایه مورد استناد اندیشمندان و پژوهشگران قرار گرفته باشد.

کتاب «توین‌بی»^۱ با عنوان «انهدام يك ملت» همراه با نقشه‌ای که نمودار صحنه‌های فاجعه است ، بی‌شک کاملترین شرح در این زمینه بشمار می‌رود که فصل دوم آن با چگونگی زمینه چینی برای کشتار ارمنیان آغاز می‌شود ، و ما نیز کار خود را از همین فصل آغاز می‌کنیم.

۱ - Armenian atrocities the murder of a nation by ,
Arnold J. Toynbee

